

آزادی ۳۹۵ زندانی
جرائم غیر عمد
به برکت نام امام رضا(ع)

گزارشی از جهاد ادامه دار مادر شهید مشهدی برای حضرت زهرا(س)

از بیت‌الاحزان مادران شهدا تا مجتمع فرهنگی فاطمیه

زهرا شریعتی

گزارش
روز

از هر ده کلمه که می‌گوید حداقل نیمی از آن نام پسرش است؛ حتی برای معرفی هم به جای گفتن نامش، خود را «مادر شهید ناصر تیموری نژاد» معرفی می‌کند! مادر است دیگر... سی سال که هیچ، سیصد سال هم بگذرد، باز قلبش برای فرزند دردناکش می‌تپد و باید او زندگی می‌کند و البته همین عشق و علاقه مادر فرزندی بوده است که او را در اوج داغ فراق شهیدش، به انجام کاری در نوع خود کم نظیر واداشته که منشأ خبر و برکات بسیار شده است، کاری که در حالت عادی، مردان مردش هم از زیر بار آن، شانه خالی می‌کنند، چه رسد به یک مادر داغ دیده که سنی از او گذشته است.

در شهرک لشکر قاسم آباد، چند خیابان مانده به بولوار فاطمیه، گنبد سبز رنگ فاطمیه را هنامایم می‌شود، مقابلش که می‌رسم، اولین چیزی که توجه مرا به خود جلب می‌کند، نمای ساده و در عین حال متفاوت و جالب ساختمان است که با سنگ مرمر طوسی رنگ پوشانده شده و دوسه متر مانده به پشت بام آن، اسمای مقدس «محمد»، «فاطمه»، و «علی»، با طرح زمینه اسلیمی روی دایره های بزرگ و برجسته به طرز زیبایی نقش بسته است. در چوبی بزرگ ورودی فاطمیه هم ما را یاد ورودی اماکن متبرکه می‌اندازد. از در ساختمان اداری وارد می‌شوم و پس از بازدید از داخل بنای فاطمیه که بسیار باشکوه، تماما آئینه کاری و مزین به تصاویر شهدای محله است و باز هم حال و هوای حرم های مطهر را تداعی می‌کند، در دفتر مجتمع، پای صحبت پرچم دار آن می‌نشینم، بانوعالیه مغانی، مادر شهید ناصر تیموری نژاد، مؤسس و مسئول مجتمع فرهنگی مذهبی «فاطمیه بیت الاحزان حضرت زهرا(س)».

دیوارهای دفتر پر است از تصاویر فرزند شهیدش و لوح های تقدیر سازمان ها و شخصیت ها و ... متواضعانه همراه من پشت میز میهمان می‌نشیند و با اشاره به میز مدیر مجتمع می‌گوید: هنوز که هنوز است، به خود اجازه نداده‌ام پشتش بنشینم. بعد هم درباره ساخت مجتمع می‌گوید: یک سال پس از شهادت پسرم در حالی که هنوز از داغ فراقش خنده به لبم نمی‌آمد و محزون بودم و با توجه به اینکه اغلب ساکنان شهرک لشکر، خانواده‌های نظامی بودند و همسر یا عضوی از خانواده شان را در جبهه از دست داده بودند، پیشنهاد کردم جایی را به نام حضرت زهرا(س) برای تسکین داغ شهدایمان و غم گساری به یاد مصایب اهل بیت(ع) راه‌اندازی کنیم؛ موافقت کردند و من مسئولیت کار را به عهده گرفتم. پس از درخواست زمین و طی مراحل قانونی، با کمک خانم های جلسه‌مان، زمینی به مساحت شش صد متر و مبلغ ۵۰۰ هزار متر مربع از شرکت تعاونی مسکن و شهرسازی مشهد خریدیم. اخذ پروانه و کارهای قانونی یک سال طول کشید، بعد از آن با سیصد هزار تومان دیوارکشی زمین را شروع کردیم و از آیت... شیرازی که امام جمعه وقت مشهد بودند، درخواست کردم برای کلنگ زنی بیایند. در مراسم کلنگ زنی که سال ۱۷۰۰ اجرا شد، مجدد مبلغی جمع شد و توانستیم یک در هم خریداری کنیم. همان موقع پیشنهاد کردم مجالس دعا و قرآن خانگی را هم به یاد قبرستان بقیع و خرابه شام در این مکان برگزار کنیم که خانم‌ها پذیرفتند، هر کس یک زیرانداز می‌آورد و می‌نشستیم دور هم دعای توسل می‌خواندیم. آن زمان برق و گاز در منطقه نبود و خانم‌ها از منازل چای می‌آوردند.

عهد کرده بودم برای ساخت فاطمیه از کسی پول نگورم یک سال و نیم بعد، به تدریج ساخت ساختمان فاطمیه شروع می‌شود، فقط یک بنا داشتند و بقیه کارها را خانم های محل انجام می‌دادند، گاهی هم همسرانشان به کمک می‌آمدند. اصناف تاحدی برای فروش مصالح به صورت اقساط همکاری می‌کردند و مصالح را اقساطی می‌فروختند «مدام به حضرت زهرا(س)

عهد کرده بودم برای ساخت فاطمیه از کسی پول نگورم یک سال و نیم بعد، به تدریج ساخت ساختمان فاطمیه شروع می‌شود، فقط یک بنا داشتند و بقیه کارها را خانم های محل انجام می‌دادند، گاهی هم همسرانشان به کمک می‌آمدند. اصناف تاحدی برای فروش مصالح به صورت اقساط همکاری می‌کردند و مصالح را اقساطی می‌فروختند «مدام به حضرت زهرا(س)

آزادی ۳۹۵ زندانی جرائم غیر عمد، از آن خبرهای خوشی است که به خودی خود چشم‌روشنی دارد. شیرینی ماجرا وقتی مضاعف می‌شود که بدانیم این افراد به برکت نام امام رئوف‌مان و با حضور خادم‌ان و خادم‌یاران حضرت در استان‌های مختلف کشور، به آغوش خانواده‌هایشان برگشته‌اند.

آن طور که مدیرعامل بنیاد کرامت رضوی گفته است، این افراد در قالب پویش نذر امام(ع) که پار سال، همزمان با میلاد حضرت زینب(س) راه‌اندازی شده و ۱۶۱ نفر از آن‌ها مادر و ۳۴ نفر پدر خانواده بوده‌اند. آماری که محمدحسین استادآقا از عملکرد این پویش ارائه کرده است، عددهای بزرگ و درخور تأمل دیگری نیز دارد؛ مثلاً اینکه بدهی شان بیش از ۱۵۰ میلیارد و ۴۵۸ میلیون تومان بوده است.

۸۱ میلیارد تومان از این مبلغ مربوط به بخشش شاکیان بوده است که با حضور خادم‌ان و خادم‌یاران رضوی از خیر طلبشان گذشتند. ۲۷٫۵ میلیارد تومان را استاد دپه کشور و ۲۰ میلیارد تومان دیگر را استان قدس رضوی تقبل کرده است. بد نیست این راهم بدانید که این زندانیان مربوط به جنرفایای خاصی نیستند و ۲۲ استان کشور را شامل می‌شوند. در تازه‌ترین دور این اقدام خداپسندانه، ۴۲۰ زندانی نیازمند اعم از زن و مرد آزاد شدند که مربوط به استان فارس هستند. مجموع بدهی این افراد، از ۲۲ میلیارد و ۱۱۰ میلیون تومان عبور کرده بود؛ یعنی به‌طور میانگین، هر زندانی حدود یک میلیارد تومان بدهی داشت که با مشارکت استان قدس رضوی، افراد نیک‌اندیش و ستاد دپه کشور این بدهی جفت و جور شد.

یا شهرهای اطراف در آن حضور می‌یابند، دیگر شش صد متر زیربنای اولیه آن پاسخ گوی جمعیت نیست؛ به همین دلیل خانم مغانی از اداره مسکن و شهرسازی پیگیری می‌کند تا قطعه شش صد متری دیگری به مبلغ بیش از یک میلیون تومان خریداری می‌شود؛ این بار با توجه به اینکه فاطمیه جا افتاده بود و مردم حاجات زیادی از حضرت زهرا(س) گرفته بودند، هزینه ساخت سریع‌تر فراهم می‌شود. حالا هم این بانوی خستگی‌ناپذیر درصدد راه‌اندازی دانشکده‌ای قرآنی در جوار فاطمیه و از طریق کمک های مردمی است.

● برنامه‌های فرهنگی آموزشی
مسئول مجتمع فاطمیه با اشاره به برنامه‌ها و خدمات آن می‌گوید: بعد از پایان ساخت، کارهای فرهنگی هنری‌مان شروع شد. ریمک اتاق، همه کارهای فرهنگی را انجام می‌دادیم اما بعد ها که مساجد امام محمد باقر(ع) و چهارده معصوم(ع) ساخته شد، بیشتر کارهای فرهنگی را عهده‌دار شدند. اکنون بیشتر کلاس‌های علوم قرآنی و احکام با حضور استادانی که رایگان تدریس می‌کنند، برگزار می‌شود. انجمن جوانان فاطمیه نیز برنامه‌های متنوع فرهنگی را در مناسبت‌ها تدارک می‌بیند.

● مردم خودشان عنايات اهل بیت(ع) را می‌بینند
مغانی در ادامه، نحوه شکل‌گیری مراسم مذهبی و پذیرایی نذری آن را این گونه شرح می‌دهد: اینجا مردم خودشان عنايات اهل بیت(ع) را می‌بینند و انکارش‌دنی نیست، از پیدا کردن کار گرفته تا خرید خانه، فرزنددار شدن، بیمه‌کار و خانواده، شفای بیمار و حتی قبولی دانشگاه و ... مردم حاجت‌هایشان را می‌گیرند و نذرشان را به فاطمیه ادا می‌کنند. اولین عاشورا که رسید، برای اجرای مراسم عزاداری سرمایه‌ای نداشتیم؛ به اهل بیت(ع) متوسل شدم. دوساعتی که گذشت، همان طور که مشغول کارها و برنامه‌ها بودم، دیدم در حیاط، بزغاله‌ای راه شیر آب بسته‌اند و کنارش هم یک حلب روغن و دو کله قند در سبد قرار دارد. خادم‌ان را صدا زدم و پرسیدم آن‌ها را چه کسی آورده است. گفتند سگی را ندیده‌اند، همه سر کلاس بوده‌اند. اشک همه جاری شد؛ به‌شکرانه این لطف، زیارت عاشورا و توسل خواندیم و در اولین عاشورای فاطمیه با آگوش از میهمانان پذیرایی کردیم. از همان زمان تا کنون هر شب جمعه یک یا دو گوسفند نذری داریم و بعد از دعای کمیل با آگوش پذیرایی می‌کنیم. همچنین ده سال پیش که پسر بچه هشت ماهه‌ای در اینجا با توسل به حضرت علی اصغر(ع) شفا گرفت، اعلام کردیم هر کس مشکلی دارد، می‌تواند به یاد حضرت علی اصغر(ع) شیر نذر کند، لذا هر هفته بین سی تا پنجاه کیلو شیر نذری داریم که سه شنبه‌ها برای پخت شیربرنج و پذیرایی دعای توسل استفاده می‌شود.

● تدارک بیش از ۶۰۰ دست‌چیزیه برای نیازمندان
بنای فاطمیه کارش را با بسی بانوی خادم شروع کرده است اما اکنون بیش از هفتاد بانو به صورت افتخاری و از دل و جان در بخش‌های مختلف آن خدمت می‌کنند؛ برخی خادم‌ان هم از مناطق دیگر و حتی طرqbه هفته‌ای یک روز می‌آیند.

مجتمع فاطمیه همچنین بدون وجود هیچ پشتوانه دائم و مشخص و صرفاً از طریق نذری‌های مردم، بیش از ۱۵۰ نفر از نیازمندان را که اغلب ایام و بی‌سرپرست

هستند، تحت پوشش دارد و شش‌هفت سالی می‌شود که برای نوعروسان بی‌بضاعت نیز جهیزیه فراهم می‌کند؛ «اوایل، کتاب می‌آوردیم و می‌فروختیم و از پول آن، جهیزیه درست می‌کردیم. تاکنون بیش از شش صد دست‌چیزیه تهیه شده است. همچنین در ماه مبارک رمضان، در مدارس واجد شرایط اطعام می‌کنیم.»

● کسی را از در فاطمیه برنگردانید
ورود آقایان به فاطمیه ممنوع است، ولی چون درخواست کرده‌اند در نماز جماعت حضور داشته باشند، شب‌ها امکان حضور آن‌ها فراهم است. به‌منظور تأمین امنیت برای خانم‌ها، جلوگیری از ضبط صدا یا تهیه عکس و ... هنگام ورود، تلفن همراهشان، تحویل گرفته می‌شود که این کار با استقبال کلاتری محله مواجه شده است. جوانان هم گرایش بسیاری به این مکان دارند و با وجود درس‌ودانشگاه و ... در سنین مختلف در مراسم آن حضور می‌یابند.

به‌گفته مادر شهید تیموری نژاد، از وقتی فاطمیه شروع به کار کرده، رابطه اهالی منطقه با هم خیلی قوی‌تر شده است، تاحدی که دانشان برای هم تنگ می‌شود. از رموز محبوبیت مسئول فاطمیه به ویژه میان جوانان این است که می‌گوید: «هر خانمی وارد فاطمیه می‌شود، اگر مقداری گواش ضعیف بود، بگویند جادر سرش کند ولی برش نگردانید.» بعد هم با صحبت، هدیه‌دادن و ... فرد را به حفظ حجاب متقاعد می‌کند، «هنگام قرائت دعاها یا توسل‌ها به نام حضرت زهرا(س) که می‌رسم، اشاره می‌کنم که بدحجابی موردضایت حضرت زهرا(س) نیست. لذا دعا که تمام می‌شود، اغلب افراد بدحجاب می‌گویند تصمیم گرفته‌اند توبه‌کنند و حتی یکی از این دخترخانم‌ها، اکنون خادم فاطمیه شده است.»

● آرزویی که به‌ثمر نشست
خانم مغانی که از شاگردان همسر مرحوم عابدزاده است، درباره چگونگی علاقه‌مندی و ورودش به کارهای فرهنگی اجتماعی می‌گوید: خانم شیخ‌الاسلامی، همسر آقای عابدزاده، مکانی به نام فاطمیه در اطراف حرم ساخته بود. من شانزده سالم بود که با آنجا آشنا شدم و به اتفاق خواهرم و دختران همسایه برای تعلیم و درس قرآنی به آنجا می‌رفتم. بادم است آرام و قرار نداشتم، مدام می‌رفتم دوروبر مسئولان و می‌خواستم کاری به من واگذار کنند، به دنبال راهی بودم که به آن‌ها بگویم دوستشان دارم. بالاخره گفتم مرا پلیس سالن کنند که موافقت کردند و از سر شوق از مادرم که خیاط بود، خواستم لباس فرمی بربایم بدوزد. پلاکی را هم گل‌دوزی و روی لباسم نصب کردم. هر روز قبل از اینکه خانم‌ها بیایند، من با لحن زیبایی قرآن قرائت می‌کردم و بعد هم به کلاس و مسئولیت‌م می‌رسیدم. در هجده سالگی به دلیل ازدواج و شغل همسر که نظامی بود به شهرهای دیگر رفتیم و ارتباطم با فاطمیه خانم شیخ‌الاسلامی قطع شد، اما در ذهنم همیشه دوست داشتم یک روز من هم مانند او مسئول مکانی مانند فاطمیه شوم.

● از نصب تصاویر شهدا طفره می‌روند
مادر شهید تیموری نژاد ادا می‌دهد: وقتی می‌خواستند بولوار مقابل فاطمیه را به نام پسر شهیدم نام‌گذاری کنند، مانع شدم و گفتم فاطمیه حضرت زهرا(س) ارجح است، لذا بولوار «فاطمیه» نام گرفت. همچنین پیگیر بودیم عکس شهدا و رهبر معظم انقلاب در بولوار فاطمیه نصب شود که هنوز انجام نشده است و مدام بهانه می‌آورند.

مادر، عشق، پسر

بین حرف‌هایش تا دل‌تان بخواهد از جگر گوشه شهیدش برایمان حرف می‌زند. حضور پسرش را در زندگی‌اش هر لحظه حس می‌کند. خانم مغانی، دقایقی هم از فرزند شهیدش برایمان صحبت می‌کند. او می‌گوید: فرزند اول بود و با اینکه پس از او صاحب یک فرزند دختر و یک پسر شدم، به ناصر خیلی وابسته بودم. شوخ‌طبع، اهل معنویت و خوش اخلاق بود. از دوران دبیرستان مدام به مسجد رفت‌وآمد داشت و در امور انقلاب و کارهای خیر، از رسیدگی به خانواده‌های رزمندگان (البته من این موضوع را بعد از شهادتش که مردم از نقاط مختلف می‌آمدند و گریه می‌کردند، متوجه می‌کرد، اولین نفر بود که عکس امام را به محله‌مان آورد. صوت خوبی داشت و قرآن و شعر می‌خواند و مداحی می‌کرد. می‌گفت «دوست ندارم کفن بشوم، می‌خواهم در لباس سربازی برای انقلاب از دنیا بروم.» همین‌طور هم شد. در آغاز جنگ، هم زمان با تحصیل، همراه دایی‌اش برای کارهای پشت جبهه به‌هویزه رفت و برگشت. همین که دیپلمش را گرفت، به‌ندای امام‌خمینی(ع) برای ورود جوانان به سپاه لبیک گفت و برای گذراندن دوره آموزشی آموزشکی که در مشهد بود، هر شب به دیدنش می‌رفتم، تا جایی که دوستانش سربه سرش می‌گذاشتند و می‌گفتند: «برو مادر!ت را ببین، آمده دیدنت!».

● گفت‌دیگر بر نمی‌گردد
وقت اعزامش رضایت نداشتم به جبهه برود؛ چون پدرش ارتشی و در جبهه حاضر بود، گفتم: «بگذار پدرت برگردد، بعد برو، اما ناصر که کارت «لبیک یا امام» را گرفته بود، در جوابم گفت: «باید به خواسته امام خمینی(ع) عمل کنم». و رفت. فکر نمی‌کردم دیدار آخر باشد، بنابراین عادی خدا حافظی کردیم. در جبهه، داوطلبانه به خط مقدم رفت، هر چه گفته بودند «صبر کن، تو تازه رسیده‌ای»، گفته بود «باید بروم»، وقت خدا حافظی به دوستانش گفته بود: «من بروم، دیگر بر نمی‌گرم». همین‌طور هم شد و سال ۶۵ در حالی که هنوز یک ماه از حضورش در جبهه نمی‌گذشت، در عملیات کربلای ۵ به فیض شهادت نائل شد. از زمان شهادتش خبر نداشتم، اما در همان دقایق شهادتش، در خانه، احساس خاصی به من دست داده بود و گمان می‌کردم نزدیک است بمیرم، لذا زودتر همه کارهایم را انجام دادم. چند روز بعد، خبر شهادت ناصر رسید. خبر شهادتش که آمد، اول دو رکعت نماز شکر به جا آوردم.

● فکر می‌کردم فقط به منزل سرداران می‌روند
وی اضافه می‌کند: این حس و حال را یک‌بار دیگر هم در سال ۹۲ که بنا بود رهبر معظم انقلاب به منزل ما تشریف بیاورند، تجربه کردم. در روزهای منتهی به آمدن ایشان، مسافرت بودیم. به همسرم گفتم: «حال خاصی دارم. بیا برگردیم، شاید در فاطمیه اتفاقی افتاده است»، وقتی به مشهد برگشتیم و رهبر معظم انقلاب به خانه‌مان تشریف آوردند، راز آن حس و حال را فهمیدم و نماز شکر خواندم. بیش از آن، فکر می‌کردم ایشان فقط به منزل سرداران شهید می‌روند.

عکس‌خبر



عکس: سعید گلین - باسمن‌پویشی‌انتهوزا

شهر
شاهران
SHAHRA NEWS.IRشهر
شاهران
SHAHRA NEWS.IRشهر
شاهران
SHAHRA NEWS.IRشهر
شاهران
SHAHRA NEWS.IRشهر
شاهران
SHAHRA NEWS.IRشهر
شاهران
SHAHRA NEWS.IRشهر
شاهران
SHAHRA NEWS.IRشهر
شاهران
SHAHRA NEWS.IRشهر
شاهران
SHAHRA NEWS.IRشهر
شاهران
SHAHRA NEWS.IRشهر
شاهران
SHAHRA NEWS.IRشهر
شاهران
SHAHRA NEWS.IRشهر
شاهران
SHAHRA NEWS.IR